گذری بر نظریه «کاشت» در جامعه ارتباطی

برساخت کمال‌گرایی کاذب برای مخاطب

احمد افروز، کارشناس رسانه و ارتباطات: شاید تحلیل‌های «متفاوت» از یک واقعیت اجتماعی «واحد» در میان افراد مختلف، به نظر پدیده عجیبی باشد، چون برخی معتقدند که مخاطبان به‌واسطه فعل‌وانفعالات بیرونی حاصل از محیط رسانه، در درازمدت و به شکل متنوع تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در دنیای رسانه صاحبان نظریات، دیدگاه‌های متفاوتی درباره اثرگذاری این وسایل ارائه کرده‌اند که نظریه «کاشت» به‌عنوان نظریه‌ای مهم در حوزه رسانه، بیشتر بر این اثرپذیری تدریجی و درازمدت رسانه‌ها متمرکز می‌شود. این ایده را می‌توان به اصطلاح معروف «کمال همنشین» در فرهنگ عامیانه خودمان نیز تعمیم داد.

نظریه «کاشت» از تئوری‌های مطرح رسانه‌ای در وادی علوم ارتباطات، هرچند در زمان وضع بیشتر ناظر بر تلویزیون و آثار ماندگارش بر مخاطب بود اما امروز به رسانه‌های مجازی نیز کشیده شده و در این حوزه مطالعاتی، اثرگذاری‌اش ارجح‌تر و مؤثرتر از تلویزیون است. این تئوری بر آثار متداول رسانه‌ها بر شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مفهوم‌سازی ذهنی آنان و نیز واقعیات اجتماعی تأکید می‌کند.

این نظریه مدعی است افراد به میزانی که ذهن و فکر خود را در اختیار رسانه و وسایل ارتباط‌جمعی قرار می‌دهند و به میزانی که مرجعیت علمی، آموزشی و فکری رسانه را می‌پذیرند، از خود واقعی دور شده و جهان را با عینک رسانه می‌بینند. به گمان اینها ذهن مخاطب برای رسانه مانند یک مزرعه است که درنهایت محصول آن نیز چیزی است که ساکنان اتاق فکر رسانه با طراحی واژه‌ها سراغ تولید اصطلاحات، ایده و فکر رفته و اقدام به کاشت آن می‌کنند تا این‌گونه هم به محصولی برسند که چیزی جز انسان الینه‌شده با مفاهیم موردنظر رسانه هم نیست.

بنابراین هر رسانه‌ای با هر کارکردی، به دنبال اهداف و طرح‌های از پیش تعیین‌شده است و اصحاب قدرت و گردانندگان سیاست‌های جاری جامعه نیز همیشه برآن‌اند تا شرایط اجتماعی و افکار عمومی را آماده پذیرش و همراهی با خود کنند که در این میان، نظریه «کاشت» و تکنیک‌های مرتبط با آن می‌تواند عرصه اجرای تمام سناریوها، برنامه‌ها و جریان‌سازی موردنظر گردانندگان افکار عمومی باشد.

با نگاهی خوش‌بینانه، شاید نظریه کاشت بتواند فرهنگ، فکر و باور درستی را در جامعه نهادینه کند یا در برابر موج جریان‌سازی غلط و با هدف صیانت از جامعه و افکار عمومی به مقابله برخیزد اما از آنجا که سلسله یادداشت‌های این نگارنده تحت عنوان کلی «سواد رسانه‌ای»، نگاهی انتقادی بر رسانه را پی گرفته است، ازاین‌رو تلاش می‌شود به آثار منفی از نظریه کاشت و سوءاستفاده جریان‌های قدرت توجه کند.

از این رهگذر کاشت و تکنیک‌های آن می‌تواند به‌تدریج جامعه‌ای یکدست و پیروی بی‌چون‌وچرا ایجاد کند که بر هرآنچه رسانه می‌گوید گردن نهند و متأسفانه حتی مفاهیمی که با تکنیک‌های رسانه‌ای در ذهن او کاشته شده نیز با محوریت دانش متقن و حاصل از مطالعات و پژوهش معرفی شود. این همان توهم دانایی و درواقع فقر آگاهی است که به دلیل نداشتن سواد رسانه‌ای و نبود قدرت تحلیل، مخاطب ناآگاه را به این وادی سوق می‌دهد.

انسان نامطلع از این حربه و تکنیک، در قربانگاه افرادی گرفتار می‌شود که پشت‌پرده رسانه‌های مختلف شنیداری تا دیداری نشسته‌اند تا ذهن و اندیشه‌اش را مأمن کاشت بذرِ مفاهیم خاص خود کنند و به مرور با بهره از تکنیک‌های سهل و پیچیده، فرد را بی‌آنکه بداند در مخمصه‌ای گرفتار کند که حرفش همان حرف و خواست رسانه شود. این کمال همنشینی با رسانه است که زین پس برای او تعیین تکلیف می‌کند.

پس هرچند تصور دنیای بدون رسانه، امری محال است و غیرقابل‌تصور اما برای کسب سود از مزایای آن و گریز از مضراتش، الزام را باید بر سواد رسانه‌ای و شناخت تکنیک‌های آن دانست بلکه در ادامه نیز مخاطب و مصرف‌کننده پیام را از رسانه‌زدگی و نگاه مطلق به رسانه دور کند تا در نهایت نیز دیگر ذهن او مبدل به محلی برای کاشت مفاهیم و اندیشه‌های نامیمون وسایل ارتباط جمعی نشود.

ارزیابی کم و کیف اتفاقات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در گفت‌وگو با مسعود پزشکیان

به مطالبات مردم پاسخ منطقی بدهیم

مسئولان باید بدانند اعمال فشار به افکار عمومی شرایط را سخت‌تر می‌کند و تعداد کسانی را که بدبین می‌شوند، افزایش می‌دهد

معصومه معظمی: مسعود پزشکیان از معدود نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس یازدهم است که طی چند دوره گذشته توانسته کرسی نمایندگی مردم تبریز در مجلس را حفظ کند. او که وزیر بهداشت دولت اصلاحات است، به دلیل مشی اعتدال‌گرایانه و مصلحانه‌اش توانسته در مجلس اصولگرای یازدهم هم حضور داشته باشد. این نماینده حافظ نهج‌البلاغه که گاهی در نطق‌هایش مسئولان را به کلام امیرالمؤمنین ارجاع می‌دهد، نایب‌رئیسی مجلس دهم را نیز در پرونده خود دارد. پزشکیان از جمله نمایندگانی است که با نطق‌های آتشینش همواره صحن مجلس را به هیجان می‌آورد. این نماینده اصلاح‌طلب مجلس یازدهم در گفت‌وگویی با «شرق» به تشریح موضوعات روز کشور پرداخت و نسبت به اعمال محدودیت‌های سیاسی و مدنی و فرهنگی کشور انتقاداتی را بیان کرد. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگو است.

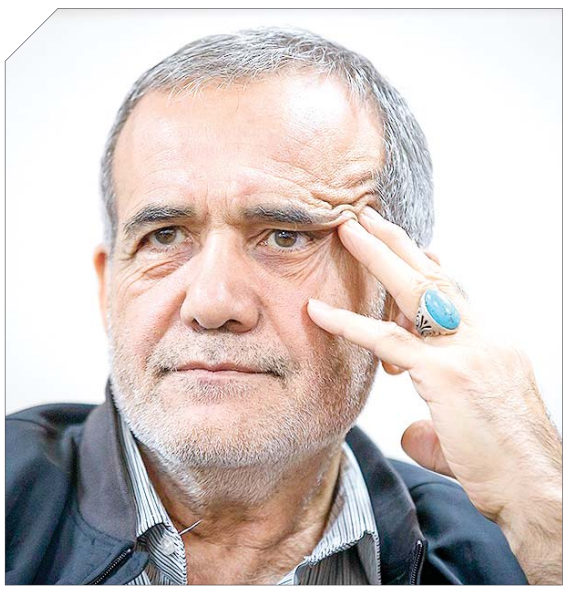

● وزیر اقتصاد اخیرا در گفت‌وگویی از ارائه لایحه دوفوریتی دولت به مجلس مبنی بر «بازگشت نرخ ارز محاسباتی گمرک به نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومانی» خبر داده است. به نظر شما این تصمیم و احتمال بازگشت بخشی از آزادسازی قیمت‌ها به قبل، آن هم بعد از تحمیل هزینه به مردم امکان‌پذیر است؟ آیا مجلس با دولت در این باره همراهی می‌کند؟

اگر دولت قصد داشته باشد بخشی از برنامه خود درباره حذف ارز ترجیحی را برگرداند و اصلاح کند، عملیاتی نیست چراکه این تصمیم، تأثیرش را بر قیمت‌ها گذاشته است. برخی شرکت‌های داروساز با ارز آزاد مواد اولیه خریده‌اند؛ اما به اندازه لازم خریداری نکرده‌اند و با مشکل مواجه‌اند. بنابراین اگر مدیریت درستی در این باره شکل می‌گرفت کار به اینجا نمی‌رسید. پس به جای این کارها بهتر است به شرکت‌های دارویی ریال بدهند که با آن ریال بتوانند مواد اولیه وارد کنند و مابه‌التفاوت قیمت‌ها را به بیمه‌ها بپردازند تا فشار بیشتری برای تأمین هزینه دارو به مردم تحمیل نشود، نه اینکه کاری را که انجام داده‌اند، بعد از دو ماه برگردانند.

● مدت‌هاست که یک‌سری تصمیمات خلق‌الساعه و یک‌شبه از سوی مسئولان اجرائی گرفته می‌شود که هزینه زیادی به مردم تحمیل می‌کند، به نظرتان این تصمیمات یک‌شبه از کجا ناشی می‌شود؟

تصمیمات یک‌شبه و غیرکارشناسی که از طرف برخی مسئولان اجرائی اتخاذ می‌شود، به‌دلیل بی‌تجربگی در مدیریت است و به نظرم این تصمیمات خلق‌الساعه می‌تواند زمینه‌ساز رانت شود. پس اول باید این لایحه به مجلس بیاید و توجیه و توضیحات دولت شنیده شود بعد درباره آن اظهارنظر شود. هرچند معتقدم روش حل قضیه، برگرداندن به حالت قبل نیست؛ بلکه رفع مشکلاتی است که باعث گرانی دارو شده است. آنها این موانع را که منجر به افزایش قیمت و گرانی دارو شده و ارز را گران کرده، رفع نکرده‌اند. شرایط به این نحو است که در گمرک پول اضافه می‌گیرند و برای واردات مواد اولیه هزینه چندین برابری پرداخت می‌کنند. پس به دلیل اینکه شرکت‌ها ریال ندارند که مواد دارویی وارد کنند، نمی‌توانند دارو هم تولید کنند؛ به همین دلیل با کمبود دارو و افزایش قیمت آن مواجه شده‌ایم.

● نقدی که مطرح است بیشتر متوجه چه چیزی است؟

از اول هم معلوم بود راهی که برخی مسئولان اجرائی در پیش گرفته‌اند اشتباه است؛ چون مشکلات پیش‌رو را ندیده بودند. در زمینه دارو اگر این روند ادامه یابد در آینده با مشکل و کمبود دارو مواجه خواهیم شد و قیمت دارو هم بیش از گذشته افزایش خواهد یافت و گریزی از آن نیست.

● با توجه به برخوردهای اخیر با برخی فعالان سیاسی و مدنی، به نظر شما در فضای موجود، ایجاد محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی برای جامعه نتیجه مطلوبی خواهد داشت؟

مسئولان باید بدانند اعمال فشار به افکار عمومی شرایط را سخت‌تر می‌کند و تعداد کسانی را که بدبین می‌شوند، افزایش می‌دهد. فشار به فعالان سیاسی و مدنی حتی در قالب موضوعات فرهنگی، رضایت‌مندی جامعه را افزایش نمی‌دهد، بلکه باعث تشدید نارضایتی می‌شود. این افراد، با چنین رفتاری یک مشکل مردم را به چندین مشکل تبدیل می‌کنند و این مشکلات و اعمال فشارها ممکن است جامعه را دچار مشکل کند. البته این موضوع درباره مسائل اقتصادی هم صدق می‌کند. شرایط اقتصادی هم روز به روز در حال بدترشدن است چراکه با دنیا مشکلمان را حل نکرده‌ایم. این افراد یک روز می‌گفتند برجام را دور بیندازید و به فکر سفره مردم باشید؛ حالا که قدرت یکدست شده و جریان رقیب در کار نیست، بهتر است خودشان به این حرف‌ها جامه عمل بپوشانند و برجام را دور بیندازند و به سفره و معیشت مردم برسند. هرچند غیرممکن است بتوانند روابط بین‌المللی را حذف کنند و سفره مردم را سروسامان بدهند. اگر خودشان ادعا می‌کنند که می‌توانند بسم‌الله، پس چرا یک سال است همه اقلام و کالاها در حال گران‌شدن است؟ چرا دست روی دست گذاشته‌اند و کاری نمی‌کنند؟ چرا مشکل معیشت مردم را بدون وجود برجام حل نمی‌کنند تا آرامش را به سفره‌های مردم بازگردانند؟!

● مذاکرات برجامی مدتی است که مسکوت مانده و برخی معتقدند برجام شکست خورده است. نظر شما چیست؟

درست به همین دلیل است که قیمت کالاها در حال افزایش است و بازار بدون نظارتی خاص شاهد رشد قیمت‌هاست. هر لحظه امکانات کاهش می‌یابد و بر مشکلات افزوده می‌شود. به نظر می‌رسد این حرف‌ها درست است.

● مردم می‌خواهند بدانند که آیا اراده‌ای برای حل مشکلات تحریمی و ادامه مذاکرات و رسیدن به توافق برجامی در دولت وجود دارد؟

با توجه به افرادی که برای ادامه مذاکرات برجامی انتخاب شده‌اند، شاید بیراه نباشد اگر بگوییم بعید است اراده‌ای برای ایجاد توافق برجام وجود داشته باشد. این افرد از موافقان برجام نیستند و تخصص و تجربه مذاکره‌کردن هم ندارند. تجربه گذشته این حرف را تأیید می‌کند. اگر موافق این حرف نیستند، بگویند کجا تخصص و توانمندی مذاکره‌کردن را به دست آورده‌اند؟ تاکنون چند مذاکره درست را مدیریت کرده‌اند که اکنون این مذاکرات با این سطح اهمیت و حساسیت را به دست آنها سپرده‌اند تا مدیریت کنند و به سرانجام برسانند؟ فردی مثل ظریف و تیم مذاکره‌کننده همراهش را کنار می‌گذارند و مذاکره هسته‌ای را به تیمی می‌سپارند که بسیاری از آنها حتی در وزارت خارجه هم حضور نداشته‌اند! حالا توقع دارند در مقابل تیم کارکشته مذاکره‌کننده غربی این مذاکرات با این حجم از اهمیت را هدایت کنند و به نتیجه برسانند؟

● جدای از تخصص تیم مذاکره‌کننده فعلی، آیا اراده‌ای در سطح مدیریت‌های اجرائی برای به‌نتیجه‌رساندن برجام دیده می‌شود؟

اگر چنین اراده‌ای وجود داشت که از آن بهره می‌گرفتند و مذاکرات را به سرانجام می‌رساندند!

● اتفاق مهم دیگری که اخیرا رخ داد، ایجاد محدودیت سرچ گوگل برای همه کاربران ایرانی است و برخی اپراتورها به دستور مقامات مربوطه همه کاربران را کودک ۱۳ساله محسوب کرده و سرچ گوگل را به طور عمومی محدود کرده‌اند! این اقدام یعنی اجرای طرح صیانت از فضای مجازی بدون مصوبه مجلس! نظرتان در این باره چیست؟

برخی می‌خواستند اجرای طرح صیانت از فضای مجازی یا محدودیت اینترنت را از طریق مجلس انجام دهند، اما مجلس به هر دلیلی این موضوع را نپذیرفت. حالا خودشان خودسر دست به این کار زده‌اند و حتی ممکن است دست به اقدامات جدی‌تری هم در این فضا بزنند. دلیل این رفتار هم این است که چون علم و توان پاسخ‌گویی به نیازها و اندیشه‌های مردم را نداریم، پس ساده‌ترین کار را انتخاب می‌کنیم که پاک‌کردن صورت‌مسئله است. این روند قابل قبول نیست و اگر بخواهیم از اعتماد و باور و صلابت اعتقادی‌مان دفاع کنیم، نباید صورت‌مسئله را پاک کنیم. باید با واقعیت‌ها واقع‌گرایانه مواجه شویم و پاسخ‌های منطقی به مطالبات مردم بدهیم تا آنها را قانع کنیم نه اینکه چنین رفتاری از خود نشان دهیم. کسانی که تخلف می‌کنند از شفافیت می‌ترسند. این حرف‌هایی هم که از شفافیت می‌زنند در صورتی محقق می‌شود که رسانه‌ها را آزاد بگذارند تا متوجه بشوند شفافیت چگونه شکل می‌گیرد، نه اینکه صداها و رسانه‌ها را محدود کنند بعد به مردم بگویند ما می‌خواهیم شفافیت ایجاد کنیم و شفاف باشیم.

سخنی با مسئولان

در سوگ دانشمند برجسته فیزیک دکتر «محمدرضا ستاره»

احسان هوشمند

استاد محمدرضا ستاره یکی از دانشمندان برتر فیزیک نظری درگذشت. دکتر ستاره که یکی از شاخص‌ترین استادان فیزیک کشور بود، درحالی‌که دوران پختگی علمی خود را تجربه می‌کرد و مقالات علمی فراوانی در مهم‌ترین مجلات علمی بین‌المللی فیزیک منتشر کرده بود، بر اثر حادثه تصادف در جاده دیوان‌دره به بیجار گروس مجروح و به بیمارستان‌های بیجار و سپس سنندج منتقل و درنهایت به بیمارستان امام خمینی تهران اعزام شد. حین تصادف سنگین با خودرویی که از مسیر خود منحرف شده بود، کیسه هوای خودروی دکتر ستاره باز شده و در نتیجه تنها پاها و سمت چپ بدن دکتر ستاره به‌شدت دچار شکستگی می‌شود و آسیبی به سر، مغز، قلب و دیگر اعضای حیاتی بدن وی وارد نمی‌شود. در دوره درمان ۹ عمل جراحی روی پاها و دست وی صورت می‌گیرد و پس از ۴۰ روز بستری‌بودن در نتیجه عفونت جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند.

۱- درباره دکتر محمدرضا ستاره همین توصیف کافی است که استیون هاوکینگ یکی از برجسته‌ترین استادان کیهان‌شناس و دانشمندان نامدار سده معاصر در حوزه فیزیک نظری و نظریه‌پرداز سیاهچاله‌ها چند نوبت به مقالات ستاره ارجاع داده بود. جالب آنکه در آخرین مقالات که چند ماه پس از مرگ هاوکینگ در دسامبر ۲۰۱۸ یعنی حدود ۹ ماه پس از مرگ وی منتشر شد، حاوی ارجاعی به دکتر ستاره بود. همین ارجاع کافی است تا اشاره شود جایگاه ستاره در میان دانشمندان فیزیک نظری جهانی جایگاه قابل احترام و برجسته‌ای بود و در کشور، دکتر ستاره یکی از دانشمندان برجسته و کم‌مانند به شمار می‌رفت. پیش از آن هاوکینگ در مقالات دیگری نیز به ستاره ارجاع داده بود. ستاره در سال ۱۳۵۲ در خانواده‌ای از اقشار زحمتکش ایرانی در محله حاشیه‌ای بیجار گروس یعنی محله ریگ‌سیاه متولد شد. از دوره دبیرستان در بیجار علاقه و استعداد وی به فیزیک نمایان شد. نشانه آن را می‌توان در نامه‌ای که در سال یازدهم دبیرستان به مجله دانشمند در سال ۱۳۶۷ نوشته است، دریافت. وی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه شریف با عشق و علاقه شگرفی که به گروس یعنی محل تولد خود و نیز علاقه شدیدی که به والدین به ویژه مادر زحمتکش خود داشت، به استان کردستان بازگشت و در دانشگاه کردستان به تدریس و تحقیق پرداخت. در دوره استادی در دانشگاه‌های استان‌های مجاور نیز به تدریس پرداخت و سپس به ریاست دانشکده مهندسی در حال تأسیس بیجار گروس روی آورد. نفر اول جشنواره جوان خوارزمی در سال ۱۳۸۰، نفر سوم جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال ۱۳۸۳ در پژوهش‌های بنیادی، دارای رتبه اول پژوهشگران برتر کشور در علوم پایه در سال ۱۳۸۸ و نگارش مقاله با بیشترین ارجاع در مجلات علمی رشته فیزیک در سال ۱۳۸۷ بودند و مدال نقره اینشتین از طرف یونسکو و عنوان دانشمند برتر جهان اسلام را کسب کرده و همچنین دارای شاخص هرش ۵۲ بودند و مقالات وی بیش از ۱۱ هزار ارجاع دریافت کرده‌اند که از این نظر در بین فیزیک‌دانان ایرانی جایگاه رفیعی داشته و دارد. از جمله افتخارات دکتر ستاره انتخاب به عنوان دو درصد دانشمند برتر جهان طبق ارزیابی دانشگاه استنفورد، دانشمند برتر جهان اسلام، پژوهشگر برتر کشوری و عضو فدراسیون سرآمدان علمی ایران بود. همین افتخارات کافی است تا اهمیت چنین دانشمندی برای آموزش عالی و توسعه علم پایه‌ای و زیربنایی فیزیک کشور روشن و مشخص شود. انتشار مقالات مشترک با مهم‌ترین فیزیک‌دانان جهان و نیز انتشار مقالات در معتبرترین مجلات علمی فیزیک در سطح بین‌المللی از شاخصه‌های مهم ستاره محسوب می‌شود.

۲- حفظ جان و مراقبت دائمی از چنین دانشمندی ضرورتی انکارناپذیر است. درحالی‌که متأسفانه در سال‌های اخیر دکتر ستاره بدون راننده مجرب و باتجربه و با خودروی غیرایمن شخصی و با خستگی ناشی از کار علمی و پژوهشی و تدریس و سپس جابه‌جایی بین سنندج و بیجار دائم در تردد بود. آیا برای مسئولان دانشگاه کردستان میسر نبود برای حفظ سلامتی و جان چنین دانشمندی راننده مجرب و خودروی ایمن معین کنند؟ آیا خودروهای ایمن دستگاه‌های دولتی تنها برای استفاده رؤسای اداری است یا دانشمندان پرافتخار کشوری نیز باید از این مراقبت‌ها و امکانات برخوردار شوند؟ دکتر ستاره افزون بر تدریس در دانشگاه کردستان در سنندج، به بیجار نیز تردد می‌کرد. حتی با فرض اصرار دکتر ستاره برای حضور در بیجار آیا دانشگاه نمی‌توانست در این باره تدبیری بیندیشد تا مراقبت بیشتری از جان ستاره به عمل آید؟

۳- جاده‌های استان کردستان و بالاخص شهرستان بیجار از استانداردهای لازم ایمنی برخوردار نیستند. کمترین میزان آزادراهی و بزرگراهی از جمله معرف‌های این جاده‌هاست. در مسیر دیواندره به بیجار تاکنون فاجعه‌های زیادی بر اثر تصادف بروز کرده است. کشته‌شدن تعدادی از متخصصان موشکی در سال قبل نیز نمونه دیگری از این دست از حوادث است! افزون بر غیراستانداردبودن جاده تعداد کم نیروی پلیس راه نیز بعدی دیگر از این وضعیت است. برای خروج از وضعیت ناایمن جاده‌های استان و بیجار در سال‌های گذشته تدابیری اندیشیده شده، اما وضعیت اقتصادی مانع از سرعت در عمل است. گروهی از شهروندان گروسی وضعیت بد جاده‌های این شهر را به بی‌توجهی مسئولان استانی نسبت می‌دهند که در سده گذشته به اندازه حق شهرستان به این منطقه توجه نکرده‌اند! در این باره جداگانه باید نوشت.

۴- دکتر ستاره پس از تصادف به سنندج و با نظر دانشگاه علوم پزشکی کردستان به بیمارستان امام خمینی تهران اعزام می‌شوند. آیا برای انتخاب بیمارستان در تهران هماهنگی لازم صورت گرفته بود؟ آیا مسئولان تدارک لازم برای مراقبت بیشتر از دکتر ستاره در تهران را فراهم کرده بودند؟ به روایت خانواده، دکتر ستاره پس از اعزام به تهران ابتدا در اتاقی بستری می‌شود که در آن ۱۲ بیمار مستقر هستند. پس از حضور نماینده شهرستان گروس و مشاهده این وضعیت و پیگیری وی، دکتر ستاره به وی‌آی‌پی منتقل می‌شود که کمتر از چند روز در این اتاق بستری بوده و عفونت موجب جابه‌جایی وی به مراقبت‌های ویژه می‌شود. آیا اگر شرایط مراقبت بهتری برای دکتر ستاره مهیا بود، دچار عفونت در بیمارستان می‌شد؟ آیا مسئولان درمانی بیمارستان به سرعت متوجه عفونت ستاره شدند؟ آیا برای درمان عفونت اقدام فوری و دقیق و مؤثری به عمل آمد؟ پیشنهاد می‌شود دراین‌باره نهادهای ذی‌ربط حقوقی با پیگیری‌های خود ارزیابی دقیقی از روند اقدامات درمانی به عمل آورند تا مشخص شود آیا تعلل یا خطایی صورت گرفته یا خیر؟

۵- پیشنهاد می‌شود در سطح دانشگاه کردستان بنیادی پژوهشی با نام بنیاد دکتر ستاره با تمرکز بر حوزه فعالیت‌های این دانشمند تأسیس شود. همچنین شورای شهر و شهرداری سنندج و نیز مسئولان بیجار گروس یکی از خیابان‌های اصلی این دو شهر را به نام دانشمند فقید دکتر ستاره نام‌گذاری کنند. پیش از این در بیجار گروس با وجود درخواست دانش‌آموختگان، نخبگان و شهروندان برای نام‌گذاری خیابانی به نام دبیر خوش‌نام بیجاری یعنی شادروان جمال عمورضایی که شاگردان نخبه‌ای همچون دکتر ستاره را پرورش داده بود، اقدامی صورت نگرفت. امید است شورای شهر و شهرداری با تغییر روش خود با نام‌گذاری خیابانی به نام دکتر ستاره این کم‌کاری را جبران کند.

شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند «سهامی عام»

« آگهی مناقصه با حضورتامین کنندگان/تولید کنندگان کالا »
فراخوان مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی(یکپارچه)
یک مرحله ای شماره RND-0118006-MM

نوبت دوم

شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) در نظر دارد مطابق با ماده ۱۱ آئین نامه ارزیابی کیفی(ارزیابی ساده) مناقصه عمومی یک مرحله‌ای(خرید آبمیوه)به شماره مناقصه RND-0118006-MM و شماره فراخوان ۲۰۰۱۰۹۲۴۴۷۰۰۰۱۰۳را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه و بارگذاری مدارک،ازطریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد)به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ۱۴۰۱/۰۴/۲۶می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه همزمان با اعلان عمومی در سامانه منتشرمی گردد.شایان ذکر است مناقصه گران می‌بایستی در مرحله بارگزاری اسناد و مدارک الزاماً تصویر اساسنامه و مدارک ثبتی شرکت یا پروانه کسب مرتبط با موضوع مناقصه و دارای اعتبار را در سامانه بارگزاری نمایند.

ردیف	شماره مناقصه	شرح مختصر کالا	مقدار	برآورد هزینه انجام موضوع مناقصه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)
۱	RND-0118006-MM	آبمیوه	۲ قلم/۱۷۵,۰۰۰ عدد تک نفره و ۳۵۰ گالن ۱۳ لیتری	۲۵,۳۰۵,۰۰۰,۰۰۰	۱,۲۶۵,۲۵۰,۰۰۰

ارائه نمونه آبمیوه های مورد نظر مناقصه گزار که بر مبنای آن نرخ پیشنهادی را ارائه نموده است، از سوی مناقصه گر در جلسه گشایش پاکات الزامی است.
مهلت اعلام آمادگی (دریافت اسناد مناقصه): ساعت ۱۸:۰۰روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۳۰

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار:
آدرس : اراک، کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد، سه راهی شازند، شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند، اداره تدارکات و امور کالا.
تلفن: ۳۳۴۹۲۸۴۰و۳۳۴۹۲۸۳۳-۰۸۶

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس : ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند
آدرس اینترنتی: WWW.IKORC.IR